



۱۱ فبروری ۲۰۱۴

حمید انوری

عاملین فاجعه افشار و معامله با خون شهدا



سازمان دیده‌بان حقوق بشر: "رحیم کنگ فو" یکی از وحشی‌ترین قوماندانان "شورای نظار" در مصاحبه‌اش گفته است: "ما در تایمبی - کابل - منطقه هزاره نشین وارد شدیم در یک روز ۳۰۰ تا ۳۵۰ نفر را کشتیم، اتفاقاً در یک خانه هزاره وارد شدم یک طفل شیر خوار را دیدم، برچه کلاشینکوفم را به دهنش گذاشتم، شروع کرد به مکیدن، من هم تا حلقش فرو بردم و کشتمش".

فاجعه افشار هنوز هم خون چکان است، هنوز هم بوی آتش و خون و دود و باروت از آن غمگده به مشام میرسد و هنوز که هنوز است، فریاد مادران، ضجه خواهران و فغان کودکان از هر کلبه و بیرانه آن و از هر خشت و سنگ و چوب شکسته آن، بر کهکشان‌ها می‌رود، اما بر گوش کر عاملین این جنایت عظیم قرن فرو نمی‌رود و بی خیال در فکر غصب قدرت و در تلاش بدست آوردن ریاست اند. از عاملین جنایت گستر، بی رحم و خونریز آن فاجعه قرن هر اندازه گفته اید، بسنده نخواهد بود، اما ببینیم که رهبران و دستور دهندگان و طرح ریزان این فاجعه امروز در کجا و در چه حالی اند، صرف نظر از اینکه در دوازده سال گذشته نتنها بر روی های خون آلوده شان گل هم گفته نشد، بلکه با هزار تکریم و حرمت در صدر هر مجلس و محفلی هم قرار داده شدند و یکی از کثیف ترین جنایتکاران که چپ و راست دستور تخریب و کشتار و چور و غارت و تجاوز می داد و از هر فرصتی جهت افروختن آتش تفرقه های قومی به نفع ارباب سود می جست، بی خیال در کنار رئیس جمهور قرار داشت و "فهیم خان" گفته با اعزاز در صدر هر جلسه و کنفرانسی جاه داده شد.

ربانی به جهنم واصل شد، قسیم فهیم باوجودیکه نازدانه کرزی و معاون رئیس جمهور است، با امراض شکر و فشار خون و هزار و یک مشکل صحتی و روانی دیگر دست و پنجه نرم میکند. احمد شاه مسعود قومندان عمومی و طراح اصلی فاجعه افشار، به استاد خود پیوسته است. و اما سیاف و هابی لنگ لنگان با شمشیر برهنه خود به صوب قصر ریاست جمهوری روان است و شوق ریاست جمهوری کرده است. چه باید کرد در این عصر و زمانه هر که بیشتر خون ریخت، بیشتر به نان و نوا رسید. روزگار عجیبی است! سنگ‌ها را بسته اند و سگ‌ها را رها کرده اند! داکتر عبدالله که در جنگ های افشار در کنار سرور و سردار اش، احمد شاه مسعود از کوه تلویزیون دستور تخریب کامل افشار را صادر میکرد و نظاره گر جنایت وحشتناکی بود، هم بی خیال و فارغ البال به سوی قصر ریاست جمهوری روانه است و محمد محقق هم برای بدست آوردن جاه و مقام در کنار او قرار دارد و منافع قوم شریف هزاره را به معامله نشسته است.

یونس قانونی از دیگر فرماندهان آن جنایت، در کنار آن دوی دیگر قرار دارد و سید حسین انوری و باقی جنایتکاران و عاملین فاجعه وحشتناک افشار هم در بین این فرزندان ناخلف کشور، ته و بالا می‌دوند و جهت رسیدن به یک چوکی و یک مقام و یک مشت پول از هیچ داد و معامله ننگین و شرم آوری ابا ندارند.

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دليکني د ليکنيزي بني پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولئ

پس چشم ها را باید شست و با وجدان های بیدار باید به قضاوت نشست و به چشم و سر مشاهد کرد که این جنایت گستران بی آرم چگونه از نام قوم و قبیله به معامله نشسته و به ریش مردم می خندند. امروز که یازدهم فیبروری ۲۰۱۴ میلادی و مطابق به ۲۲ دلو ۱۳۹۲ هجری شمسی است، درست بیست و یک سال از آن فاجعه وحشتناک و خونین میگذرد، اما همانگونه که تا امروز فراموش نشده است، هرگز هم نمی گذاریم که به فراموشی سپرده شود.

" ... تجاوز جنسی توسط نیروهای اتحاد

در جریان عملیات افشار، قوای اتحاد اسلامی سیاف برای بیرون راندن مردم غیر نظامی از منطقه از تجاوز جنسی و دیگر حملات علیه غیر نظامیان استفاده کردند. پروژه عدالت افغانستان همراه تعدادی از شاهدانی که



شرح واقعات تجاوز جنسی توسط قوای اتحاد در جریان عملیات افشار را داده اند، مصاحبه کرده است. شاهدهی بنام م. از دست و پایش زخمی شد، زمانی که نظامیان اتحاد به پسرش فیر کردند . وی بیان داشت: " در حالیکه هنوز از من خون می رفت، آنها به من تجاوز کردند." وی اظهار داشت که سه عسکر وی را پایین نگهداشته در حالیکه چهارمی وی را در زیرزمین خانه خودش تجاوز جنسی کردند. چندین زن دیگر نیز به خانه م. پناه آورده بودند: یک همسایه بنام ز. و دو دخترش و یک زن دیگر بنام ر. نظامیان اتحاد به دو دختر ز. که ۱۴ ساله و ۱۶ ساله بودند و زنی بنام ر. تجاوز کردند. عسکران آنها را به نوبت به زیرزمین برای تجاوز بردند. یکی از دختران ز. توسط برچه زخمی شد وقتی که وی کوشش برای مقاومت می نمود.

یکی دیگر از شاهدان زن بنام س. بیان داشت که مردان مسلح به خانه اش در افشار سیلو در روز دوم عملیات افشار هجوم آورده بودند. آنها وی را لت و کوب کرده و خودش و خواهرش را در خانه شان تجاوز کرده و دارائی هایشان را به یغما بردند...

البته قصه های دردناک و سرگذشت های وحشت انگیز بازماندگان این فاجعه عظیم تاریخ با هزاران درد و دریغ که سر دراز دارد و صرف قطره از ابجار و زره از بسیار را " پروژه عدالت افغانستان"، با اسناد و شهود زنده بیان داشته است که از نظر هموطنان گذشته است و میگذرد هنوز و هنوز هم مطالعه این اسناد لرزه براندام مستولی میکند و بغض اندر گلو میگیرد و اشک بی اختیار فرو میریزد و بر هرچه جانی و جنایتکار و جنایت گستر است، مرگ سخت دردآور و تدریجی آرزو میکند.

نفرین ابدی باد بر عاملین فاجعه خونین افشار !!!

یاد شهدای مظلوم افشار و همه شهدای کشور گرامی باد!!!!